

محسن حسام

**فرانسیس پونژ سندیکالیست،
شاعر آدم‌ها، اشیاء و طبیعت
«فرانسیس پونژ»¹ شاعر، «اوژن دو کرماک»² نقاش
داستان یک همکاری
تلفیق شعر و نقاشی**

از «مادلن پامپل»³ نویسنده و محقق آمریکایی. این پژوهش در سال 2012 توسط انتشارات دانشگاهی «سپتانتیون»⁴ به زبان فرانسه انتشار یافته است. کتابی که پیش روی ماست، تحقیق دایمانه‌ای است که توسط مادلن پامپل انجام گرفته است.

مادلن پامپل در شهر «گرینویچ» (Greenwich) ایالت «کونکتیکوت» (Connecticut) آمریکا به دنیا آمد. از دوازده سالگی شروع به آموختن زبان فرانسه کرد. 85-1982 دو بار به فرانسه مسافرت کرد. بار اول وقتی که 13 سال بیشتر نداشت با والدینش از پاریس، موزه‌ها و بناهای تاریخی دیدن کرد. بار دیگر در سن 16 سالگی از «شاتو دو لا لوآر» (Châteaux de la Loire) دیدن کرد.

1987 به کالج «سمنس» (Simmons) در شهر «بستن» (Boston) ایالت «ماساچوست» (Massachusetts) در دو رشته تخصصی، زبان و ادبیات فرانسه و علوم سیاسی مشغول به تحصیل می‌شود. در اینجا لازم است اشاره کنیم که کالج سمنس از کالج‌های معتبر آمریکاست. پامپل در این دوره پیگیرانه به مطالعه ادبیات فرانسه پرداخت.

90-1989 سال‌های آکادمی، مادلن پامپل وارد مدرسه شهر «تور» (Tours) می‌شود. وی در این دوره به ادبیات قرن بیستم فرانسه علاقه نشان می‌دهد، همچنین به مطالعه آثار نویسندگان عرب فرانسوی‌زبان، از جمله «طاهر بن جلون» و «مصطفی خلیلی» می‌پردازد. می‌توان از نویسندگان بلژیکی و همچنین از «میشل ترمبلی» (Michel Tremblay) نماینده نویسنده فرانسوی‌زبان کانادایی نام برد.

وی سپس وارد دانشکده حقوق می‌شود و در رابطه با شیوه و طرز حکومت کشورهای خارجی - در زمانی که بلوک کمونیست در حال تحلیل رفتن بود - به تحقیق می‌پردازد.

1991 به دفاع از تزش (thèse) در باره حکومت «ویشی» (Vichy)، زندگی و مبارزه سیاسی فرانسوی‌ها زیر فشار حکومت ویشی می‌پردازد. لازم است اشاره کنیم که دولت ویشی از ژوئیه 1940 تا اوت 1944 وابسته به سیاست‌های

حکومت نازیها در آلمان بود و سیاستهای آنها را اجرا می‌کرد. حکومت ویشی یک حکومت قدرتطلب، ضدیهود و ضدکمونیست بود.

1992 به همراه گروهی از باستان‌شناسان جهت کاوش در آثار باستانی بازمانده از دوران قرون وسطی به جنوب شرقی، مرز فرانسه و ایتالیا عزیمت می‌کند. این گروه در بلندی‌های «آپ» در دهکده‌ای به نام «لازر» (Lazer) به مدت یک ماه و نیم به کاوش می‌پردازد.

1995 به اخذ درجه فوق‌لیسانس («ماستر») در ادبیات فرانسه از کالج معروف «میدل بوری» (Middlebury) در ایالت «ورمونت» (Vermont) شمال شرقی آمریکا نائل می‌آید، سپس به فرانسه برمی‌گردد و در رشته اقتصاد از مدرسه «اتاق تجارت و صنعتی پاریس» دیپلم می‌گیرد.

در پاریس، پروفسور ادبیات فرانسه «فرانسواز ملونیو» (Françoise Mélonio) به علاقه و استعداد ادبی او پی می‌برد و به او پیشنهاد می‌کند که برای گذراندن تز دکترایش روی آثار رمان‌نویس معروف فرانسوی «لویی‌گیو» (Louis Guilloux)، نویسنده رمان درخشان و به یادماندنی «خون سیاه» (*Le Sang noir*) کار کند. لازم است در اینجا اشاره کنیم که حدود 30 سال پیش دو رمان از لویی‌گیو توسط داستان‌نویس و مترجم شمالی «هادی جامعی» از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده بود.

مادلن پامپل در این دوره روی مقوله‌هایی همچون علم زیبایی‌شناسی، فراگرفتن متن و تحلیل ساختار جملات و تغییر در اشکال کار، دستور زبان و همچنین چگونگی و نحوه کاربرد آنها مطالعه می‌کند.

مادل پامپل به آمریکا برمی‌گردد و به تحصیلاتش ادامه می‌دهد.

1998-2008 در دانشکده «اموری» (Emory) شهر آتلانتا» (Atlanta) ایالت «جورجیا» (Georgia) برای گذراندن تز دکترایش زیر نظر و به مدیریت استاد زبان و هنر و ادبیات فرانسه «فیلیپ فیسبون» (Philippe Bonnefis) مشغول به تحصیل می‌شود و در سال 2008 به اخذ درجه دکترا نائل می‌آید.

2010 مدلن پامپل به کار تحقیقاتی‌اش در زمینه هنر و ادبیات ادامه می‌دهد. وی هم‌اکنون در یک بنیاد فرهنگی «آرماند پونژ» مشغول به کار است. کتاب حاضر حاصل چند سال کار بی‌وقفه محقق است. نویسنده برای دستیابی به اسناد و مدارک و شواهد بارها به فرانسه سفر کرده است. این کتاب سال جاری توسط انتشارات دانشگاه چاپ شده است.

داستان يك همكاري (Histoire d'un compagnonnage)

فرانسیس پونژ، برنده جایزه بین‌المللی شعر به سال 1959⁵ در 27 مارس سال 1899 در یکی از شهرهای بزرگ فرانسه «مون پلیه»⁶ متولد می‌شود. خانواده پونژ در حال کوچ کردن است، از شهری به شهری دیگر؛ اغلب شهرهای جنوب فرانسه، از جمله «نیم»، «اوینیون»، «کن»⁷. پونژ پس از گذراندن دوره دبیرستان برای ادامه تحصیل به پاریس می‌رود و نزد مادر بزرگ زندگی می‌کند. پونژ در دانشگاه «سوربن» حقوق می‌خواند. همزمان برای گذران زندگی و تأمین مخارج تحصیل، گوشه و کنار به کار مشغول می‌شود. متون و اشعار اولیه فرانسیس پونژ از سال 1923 در مجله ادبی و معتبر «مجله نو فرانسه»⁸ چاپ می‌شود.

پونژ با آنکه هنوز جوان است، اما صاحب سبک است. اشعارش مورد توجه و استقبال «لویی آراگون»، «رنه شار»، «پل الوار»، «گیوم آپولینر» و «آندره بُرتن»⁹ قرار می‌گیرد. زبانش غنی و سرشار از تصاویر شاعرانه است. شگفت آنکه فرانسیس پونژ با آن همه غنای شعری هیچگاه خودش را شاعر نمی‌دانست. پونژ يك نویسنده است، نویسنده‌ای که مضامین اشعارش بکر و تازه است. نگاه شاعر به جهان و رویدادهای عصرش بویژه ستم مضاعفی که بر طبقه کارگر و زحمتکشانش می‌رود، او را از دیگر هنرمندان متمایز می‌کند. شاعر برای بیان افکار و اندیشه‌هایش دست به نوآوری می‌زند. برای نشان دادن ماهیت اشیاء و طبیعت زبان تازه‌ای خلق می‌کند. از این نظر پونژ شاعری یگانه است. وی با زبان زنده و جاندار و غنای شعریش روح تازه‌ای به شعر معاصر می‌بخشد. پونژ در اشعارش بشریت را مخاطب قرار می‌دهد. پونژ شاعر همه‌زمان‌هاست. اندیشه‌ها و افکار پونژ بعد از گذشت سال‌ها هنوز تازه است. اشعار پونژ در مجله نوي فرانسه در کنار شعرا و نویسندگانی همچون «پل والر»، «مارسل پروست»، «آندره ژید»، «ژرژ دوهامل» و «ژولین گرین»¹⁰ به چاپ می‌رسد.

متأسفانه تاکنون فرانسیس پونژ برای خوانندگان ایرانی ناشناخته مانده است. هنرمندی که مجموعه آثارش در چند جلد در «کتابخانه پلیاد»¹¹ توسط مؤسسه انتشاراتی «گالیمار»¹² انتشار یافته است. وقتی که در سال 1942 مجموعه اشعار پونژ تحت عنوان «هوادارای از اشیاء» نتشار یافت، «ژان پل سارتر» اشعارش را يك اثر انقلابی نامید.

یکی از ویژگی‌های کار مادلن پامپل در آمیختن زندگی‌نامه پونژ شاعر و کرمدک نقاش در ارتباط با تحلیل اشعار و تابلوهای آن دو هنرمند است. پامپل با

رجوع به «آرشیو ملی»¹³ و با بهره‌گیری از آرشیو خصوصی که تماماً در اختیار مادام «آرماند پونژ»¹⁴ یگانه فرزند فرانسیس پونژ است، به اسناد دست اول و انتشار نیافته دست یافته است و با نگاهی عمیق به مکاتباتی که فرانسیس پونژ با هنرمندان و ناشران آن دوره داشته است، یک تصویر عمومی از موقعیت و شرایط ادبی، سیاسی، اجتماعی فرانسه در دوره جنگ جهانی ویرانگر، نهضت مقاومت ملی و مصائب بعد از جنگ ارائه داده است. پامپل با اتخاذ روش پژوهشگرانه و تجزیه و تحلیل آثار پونژ سیمای روشن و واقعی شاعر را نشان می‌دهد. از این رو می‌توان اذعان کرد که نویسنده با تجربیات جدیدی که در ارتباط با روش تحقیق بکار برده، به سهم خود، دست به نوآوری در امر پژوهش زده است، چیزی که به روشنی در این کتاب پژوهشی توجه خواننده را به خود جلب می‌کند.

مادلن پامپل برای روشنی بخشیدن به سیمای فرانسیس پونژ در مصاحبه‌هایی که با آرماند پونژ انجام داده است، به کشف نکات مهم و بااهمیتی دست یافته است، و از این رهگذر به کتاب سندیت بیشتری بخشیده است. از یک سو نقبی به زندگی خصوصی و اجتماعی شاعر می‌زند و از سوی دیگر به تحلیل اوضاع اجتماعی فرانسه می‌پردازد؛ بویژه فاصله بین جنگ اول و دوم و اشغال خاک فرانسه توسط ارتش نازی‌های آلمان. نویسنده همچنین به دنبال رد پای زندگی مبارزاتی فرانسیس پونژ است و به درستی و روشنی نقش و عملکرد مبارزاتی شاعر را در نهضت مقاومت فرانسه بازگو می‌کند. از این رهگذر مصائبی را که بر شاعر و خانواده‌اش در جنگ و گریز با نازی‌ها و مأموران «اساس، گشتاپو» گذشته است را به دقت توصیف می‌کند. چیزی که پونژ را از شاعران دیگر متفاوت می‌کند، فعالیت‌های سندیکایی‌اش است. پونژ یک سندیکالیست تمام عیار بود و پیگیرانه برای مطالبات از دست رفته و غارت شده کارگران فعالیت می‌کرد. باری، عدم تساوی بین حقوق کارفرمایان و دستمزدبگیران به حرکتی دامن زد که موجب یک تکان سیاسی بین دو جنگ جهانی در فرانسه شد. از جمله مسائلی که موجبات به قدرت رسیدن «جبهه خلق»¹⁵ در سال 1936 شد، همین بحران سیاسی بود. در واقع، همانطور که در سطور بعدی خواهد آمد توافق‌های معروف به «ماتینیون»¹⁶ حاصل مبارزات سندیکاهای فرانسه بود. کارگران فرانسه بر اثر اعتصابات عمومی و تصرف کارخانه‌ها و خواباندن چرخ کارخانه‌ها زندگی جامعه فرانسه را فلج می‌کنند، تا بدان حد که دولت وقت به رهبری «لئون بلوم»¹⁷ بر اثر اوج‌گیری اعتصابات سراسری

مجبور می‌شود برای رفع بحران به توافق‌هایی با رهبران سندیکاها کارگري تن در دهد. در آن زمان فرانسیس پونژ پیگیرانه در سندیکاها کارگري فعالیت می‌کرد. پونژ در رابطه با جنبش کارگري در هیجدهم آوریل 1937 سخنرانی می‌کند. پونژ در رابطه با تظاهرات چنین می‌گوید: «باید تظاهرات کرد اما در يك شکل هوشمندانه». تأکید پونژ بیشتر در رابطه با تظاهرات سراسري و دست‌آوردهای سال قبل است. پونژ از این هراس دارد که با اعمال بی‌رویه، کارفرماها بهانه پیدا کنند تا امتیازهای سال قبل را از بین ببرند. از این رو تصریح می‌کند که مبارزه هنوز پایان نیافته و ما دست‌ها را پائین نمی‌آوریم. اما در عین حال باید با هوشیاری عمل کرد.

دست‌آوردها از این قرار است:

- 1 - ساعات کار، چهل ساعت کار در هفته
- 2 - مرخصی با حقوق
- 3 - تأسیس و تشکیل اتاق نماینده‌ها
- 4 - حق تشکیل سندیکاها

این توافق، عهدنامه جمعی، قرارداد «ماتینیون» نام گرفت. فرانسیس پونژ آن زمان «معاون دبیر کل»¹⁸ یکی از بزرگترین سندیکاها کارگري فرانسه CGT (کنفدراسیون عمومی کار)¹⁹ بود.

در اینجا لازم می‌دانم خاطرنشان کنم که سندیکاها کارگري از قبیل CGT و CFDT (کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه)²⁰ و FO (نیروی کارگري)²¹ عمدتاً از نیروهای طیف چپ هستند.

باری، عدم تساوی بین حقوق کارفرمایان و دستمزدبگیران و اعتصابات سراسري سبب به چنگ آوردن این دست‌آوردها شد.

در اینجا لازم است خاطرنشان کنیم که فرانسیس پونژ در سال 1937 به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد. وی در سال 1947 از فعالیت‌های حزبی کناره گرفت.

فرانسیس پونژ، شاعر اشیاء و طبیعت

شیوه و اسلوب شعري فرانسیس پونژ گیرا، یگانه و نمونه است؛ اشعارش با شعرهایی که در گذشته شاعران فرانسه سروده‌اند، متفاوت است. اشعار پونژ از سویی با دنیای «فلویر»²²ی نزدیکی دارد، از سویی دیگر با دنیای «مالارمه»²²ی، اما برخی از منتقدین آن دوره اشعار پونژ را به دنیای «خیالی، افسانه‌ای»²³ و «واهی» نسبت داده‌اند.

مادلن پامپل در بخش «ریشه‌ها و برگ‌های اولیه» به تحلیل اشعاری که پونژ طی سال‌های 1898-1923 سروده

است، می‌پردازد. سپس حوادث و رویدادهای جنگ جهانی دوم را بررسی می‌کند. این بررسی تا سال 1945 پایان اشغال خاک فرانسه ادامه دارد.

به نظر مادلن پامپل اشعار فرانسیس پونژ به درخت زیتون شباهت دارد و شامل سه «تم» (thème) اصلی است. این سه تم از نظر موضوع، مبحث و مضمون با هم پیوند دارند و بطور کلی به زندگی شاعرانه و فعالیت خلاقانه شاعر مربوط می‌شود.

«برنارد گرویتوزن»²⁴ در مقاله‌ای بدون عنوان در باره اشعار پونژ با ظرافتی خاص چنین می‌نویسد: «من دوازده شعر کوچک فرانسیس پونژ را دوست دارم. سکوت یگانه، لکنت زبان و اندیشه‌ای که آدم را مضطرب می‌کند. کلمات و اندیشه‌ها فرار هستند و به خود می‌گویند، این تو نیستی، با همان زبان لکنت‌وار. دوباره، بازگشت اضطراب؛ سپس ملاقات، ملاقات شادی آور. دست آخر، کلمات در دنیای گنگ و لال و بی‌صدای خاموش متولد می‌شوند.»

در اینجا لازم است اشاره کنیم که دوازده شعر کوچک پونژ از نظر غنای زبان با اشعاری که پونژ در سال‌های بعد سروده، متفاوت است.

منتقد دیگر، «ژان هی‌تیه»²⁵ در ماه نوامبر 1924 در مجله ادبی «گوسفند سفید» مقاله‌ای تحت عنوان «دیباچه‌ای در باره آینده» می‌نویسد: «برای من بسی مایه خوشبختی است با هنرمندی آشنا می‌شوم که زبان اشیاء را در خدمت بیان هنری‌اش گرفته است. پونژ از معدود هنرمندانی است که نسبت به کارش وقوف کامل دارد. می‌داند چگونه باید کلمات را ورز کرد، بدون آنکه کلمات مفاهیمشان را از دست بدهند.»

«ژان تاردیه» در نوشته‌ای تحت عنوان «ملاقات با فرانسیس پونژ» چنین تصویری از شاعر بدست می‌دهد: «یک روز صبح، در آتلیه تنها بودم. مرد جوانی وارد شد با پیشانی بلند، پوستی پررنگ و چشمان سیاه. مردی که بدون قرار قبلی به ملاقات من آمده بود، فرانسیس پونژ بود. پونژ شاعری بود که در همان نگاه اول، جاذبه‌اش آدم را می‌گرفت. برخوردش به اندازه‌ای طبیعی و بی‌تصنع بود که به نظر می‌رسید ما نه تنها برای یکدیگر ناآشنا نبودیم، بلکه یکدیگر را از قبل می‌شناختیم.»

اما به زعم مادلن پامپل اولین کسی که فرانسیس پونژ را کشف می‌کند «ژان پلهان»²⁶ است. این آشنایی برمی‌گردد به سال 1931. پلهان در باره آثار شاعر چنین می‌نویسد: «آثاری که از پونژ انتشار یافته است، برای نسل جدید مهم و باارزش است.»

لازم است اشاره کنیم که بین فرانسیس پونژ و ژان

پلهان مکاتبات فراوانی صورت می‌گیرد.

مادلن پامپل می‌نویسد: «در سال‌های 1923-26 اشعار پونژ در مجله‌های ادبی، یکی بعد از دیگری چاپ می‌شود و مورد استقبال منتقدین قرار می‌گیرد. پونژ برای انتشار اشعارش در پاره‌ای از مجلات ادبی سخت‌گیر بود. پونژ هنوز جوان است. 27 بهار را پشت سر گذاشته است. نقدهای متفاوتی در رابطه با آثارش نوشته می‌شود. منتقدین در مجموع بر ارزش کارهایش صحنه می‌گذارند. پونژ، شاعر طبیعت با نگاهی کاونده به اشیاء می‌نگرد. با زبانی پالوده به توصیف اشیاء می‌پردازد. اشیاء سخن می‌گویند، شهادت می‌دهند، از برکت قلم و اندیشه او هویت تازه پیدا می‌کنند.»

مادلن پامپل می‌نویسد: «بدون شك تا پیش از فرانسیس پونژ، ادبیات فرانسه، شاعری که در این قلمرو، آثاری از این دست خلق کرده باشد، به خود ندیده است. شاید از این رو است که فرانسیس پونژ شاعران هم‌عصرش را تحت تأثیر اشعارش قرار می‌دهد.»

مادلن پامپل سال 1922 را سال دلتنگی و غم و غصه نام می‌دهد. در واقع، این فصل، بدین گونه نام‌گذاری شده است. اشعار «مونولوگ کارمند» و «یک‌شنبه» یا «آرتیست» متعلق به این دوره است. دوره اول اشعار پونژ برمی‌گردد به سال 1926. از این به بعد، شاعر به تدریج به زبان اشیاء رو می‌آورد.

1940 «یادداشتهای روزانه جنگل» حاصل کار این دوره است. در سال 1942 آثاری از پونژ در مجلات ادبی منتشر می‌شود.

شاعر در چهارم ماه ژوئیه 1935 با «اودت»²⁷ ازدواج می‌کند. حاصل این ازدواج دختری است که نامش «آرماند» است. هم به همت آرماند پونژ است که سال‌ها بعد، بعد از درگذشت شاعر بخش بزرگی از آثار چاپ نشده‌اش انتشار می‌یابد. لازم به یادآوری است که بنا به تحقیق مادلن پامپل، آرماند پونژ به چاپ آثار پدرش نظارت کامل دارد. مادلن پامپل در ادامه پژوهش و گردآوری اسناد و مدارک، بیش از همه خودش را مدیون آرماند پونژ می‌داند. آرماند پونژ بخش وسیعی از اطلاعات پیرامون زندگانی پدرش را در اختیار محقق قرار می‌دهد. درب اتاق بایگانی‌اش را به رویش می‌گشاید. بخش وسیعی از آرشیو خانوادگی را در اختیار وی قرار می‌دهد. آرماند پونژ دستش را باز می‌گذارد که در رابطه با کار پژوهشی از آرشیو خانوادگی سند بردارد. دست آخر، اسناد و مکاتباتی را که تاکنون انتشار بیرونی

نیافته اند، و حتی برای خواننده فرانسوی تازه‌گی دارد، در اختیار محقق قرار می‌دهد.

مادلن پامپل می‌نویسد: «آرماند پونژ، مجموعه اسناد، کتابخانه، مکاتبات، یادداشت‌های روزانه و حتی دست‌نویس‌های شاعر را در اختیار من گذاشت.»

مصائب جنگ جهانی دوم

دولت‌هایی که در فرانسه به سر کار می‌آیند با بحران حاکم بر جامعه دست به گریبان هستند، بحران سیاسی، اقتصادی، اعتصابات سراسری، تظاهرات، تصرف کارخانه‌ها، با فلج کردن چرخ‌های اقتصادی جامعه همراه است. از سوی دیگر در روابط بین‌المللی فضای سیاسی متشنج حاکم است. زمان کوتاهی بعد از اعلام جنگ، اوایل سپتامبر 1939 پونژ در کنار کارگران شروع به کار می‌کند. شاعر سخت مشغول است. کارش به قدری وقتگیر است که از سپتامبر 1939 تا مه 1940 شاعر نمی‌تواند بیش از یک متن منتشر کند. همه شب‌ها، آژیر هوایی در آسمان پاریس به صدا درمی‌آید. متعاقب آن، خاموشی شهر پاریس را فرا می‌گیرد. سپس بمباران هوایی شروع می‌شود و مردم به زیرزمین‌ها پناه می‌برند.

مادلن پامپل خاطره‌ای را از قول آرماند پونژ دختر فرانسیس پونژ نقل می‌کند که ما در اینجا آنرا عیناً به خواننده ارائه می‌کنیم.

بعد از استقرار آلمان‌ها در مناطق آزاد (این ماجرا زمانی اتفاق می‌افتد که پونژ پیشتر کارش را از دست داده و قادر نیست مثل سابق مخارج خانواده‌اش را تأمین کند.) درست یک ماه بعد، خانواده پونژ در «کولینی» محله «فرون ویل»²⁸ مستقر می‌شود. با این فرض که با نقل و انتقال به روستا از دسترس مأموران گشتاپو در امان خواهند بود. یک روز صبح خیلی زود، با آنکه هوا بارانی است، آرماند که حدود نه سال دارد، برای هواخوری از خانه بیرون می‌زند. روی جاده چشمش به کاسک (casque) سربازهایی می‌افتد که زیر باران برق می‌زند. آرماند فوراً به خانه برمی‌گردد و مادرش را باخبر می‌کند. پدر را از خواب بیدار می‌کنند که برخیزد، چمدانش را بردارد و فرار کند. آنگاه «اودت»، همسر فرانسیس و آرماند کوچولو به زیرزمین می‌روند. از شکاف تخته‌ها چشمشان به پوتین‌های سیاهی می‌افتد که پشت حیاط خانه در آمد و رفت هستند. دهکده در محاصره آلمان‌هاست. فرانسیس پونژ فکر می‌کرد که از بازرسی قریب‌الوقوع نمی‌تواند جان سالم بدر ببرد. فکری به نظرش می‌رسد. می‌رود پشت میز تحریرش می‌نشیند و مشغول به نوشتن می‌شود. در همین لحظه درب

خانه را می‌کوبند. دو مأمور «اساس» با صدای بلند از همسرش اودت استنطاق می‌کنند. اما، اودت هیچ نمی‌فهمد. مأموران گشتاپو شروع به بازرسی خانه می‌کنند. وقتی که می‌بینند مرد خانه در طبقه همکف نیست، از پله‌ها بالا می‌روند و فرانسیس پونژ را در اتاق کارش پیدا می‌کنند. فرانسیس وانمود می‌کند که در حال نوشتن شعری است. یکی از دو مأمور اساس از او استنطاق می‌کند. پونژ وانمود می‌کند که زبان آلمانی نمی‌فهمد. اما قفسه کتاب‌هایش را به مأموران نشان می‌دهد و برگه‌های شعری را که روی میز تحریرش است.

مأمور اول می‌گوید: «شاعر»

مأمور دوم وسط حرف مأمور اول می‌دود: «شاعر، نیست خطرناک».

اساس‌ها می‌گذارند و از خانه بیرون می‌روند. این حادثه زمانی اتفاق می‌افتد که مأمورهای گشتاپو تمام مردهای دهکده را بازداشت و با قطار به اردوگاه‌های کار اجباری به آلمان می‌برند.

یکی از عوارض جنگ، گذشته از بیکاری، کمبود ارزاق عمومی است. در آن زمان بحران کمبود مسکن بیداد می‌کرد. مواد غذایی جیره‌بندی شده بود. زغال و گاز به طور عادلانه تقسیم نمی‌شد. کاغذ هم نایاب شده بود. فرانسیس پونژ علیرغم مشکلات و مصائب ناشی از جنگ به نوشتن و سرودن ادامه می‌داد. سال‌های 1940-41 دوره سختی برای همه بود و برای فرانسیس پونژ حداقل دو سال اول پریشانی و محرومیت به همراه داشت. به علاوه، دوری از پاریس رنجش می‌داد. در رابطه با کم‌کاری ادبی خودش را سرزنش می‌کرد. آینده‌اش، آینده آدم خلاق که شاعر بود و دلش می‌خواست آثاری ماندگار از خودش به جا بگذارد. ماه مه 1940، فرانسیس پونژ با «پل نوژه»²⁹ ملاقات می‌کند، کسی که اشعار پونژ را سخت می‌پسندید و از ستایشگران پونژ بود. پونژ در انتظار بود (حداقل یک سال و نیم بود که پونژ در انتظار چاپ مجموعه شعرش بود). در این میان شوق و ذوق و حرارت و هیجان خواننده اشعارش او را به فکر کردن واداشت: «من نمی‌دانستم تا بدین حد مشهور شده‌ام، با این وصف فکر نمی‌کردم که آدمی مثل او به کار من اینقدر ارج بگذارد.» پونژ همواره ملاقاتش را با پل نوژه در 1940 به یاد می‌آورد. نوژه، مدیر انتشاراتی گالیمار «گاستون»³⁰ را بخوبی می‌شناخت. می‌خواست کمکش کند که مجموعه اشعارش توسط انتشارات گالیمار به چاپ رسد. ژوئن 1941 پونژ می‌نویسد: «برای من غیرقابل تحمل است که تنها با خاطراتم زندگی کنم. اینکه دلم را به این خوش کنم که آثارم با توفیق همراه بوده است. برعکس،

دلم می‌خواهد منتقدي پیدا شود که آثارم را بدقت بررسی کند، نقاط ضعف کارم را به من نشان بدهد، در رابطه با نقاط قدرت کارم به من دستخوش بگوید. از او بیاموزم. مجدداً کارم را بازآفرینی کنم. وگرنه، برای همیشه قلم را ببوسم و کنار بگذارم و پی کار و زندگی‌ام بروم.» پونژ می‌خواهد به ما بگوید که تا چه اندازه برای يك منتقد واقعي حرمت قائل است و تا چه اندازه نسبت به کارش سخت‌گیر و جدي است؛ علیرغم آنکه در آن زمان با ارائه آثارش به شهرت نسبي دست یافته بود. پونژ در کنار کار نویسندگی (به ویژه کار روی زبان) برای درك ماهیت اشیاء معمولي به مطالعه آنها می‌پرداخت. چیزی که مورد نظر پونژ بود، عدم تعادل و هماهنگی در زندگی آدم‌هایی بود که در يك جامعه صنعتي زندگی می‌کنند. پونژ بویژه به مطالعه اثرات منفي و ناگوار جامعه صنعتي در زندگی افراد آن جامعه می‌پرداخت. پونژ يك جامعه‌شناس، يك پژوهشگر اجتماعي بود و به نتایج کارش اطمینان داشت. اما، با این حال مواردی پیش می‌آمد که نسبت به کارش دچار تردید می‌شد. پونژ می‌نویسد: «شاید، من در هیچ کاری مفید نیستم. شاید، اشتباه می‌کنم که می‌خواهم به هر قیمتی که شده به دنبال جاه‌طلبی انگیزه‌های هنري‌ام باشم. شاید، من در چرخش بی‌وقفه و در جست و جوی کورکورانه چیزهایی هستم که نمی‌توانم به آنها دسترسی پیدا کنم. این را می‌دانم که من به دنبال اشکال هنري در کارم هستم. اما، قطعاً نمی‌دانم کدامیک از این اشکال ایده‌آل هستند و در خدمت تعالی هنرم قرار می‌گیرند.»

مادلن پامپل می‌نویسد: «در واقع، نزد پونژ شکل به صورت يك مسئله مهم درمی‌آید. زیرا، دست کم، بعد از خلق «کمپوزیسیون» در تابستان 1939 سعی می‌کند در روند خلاقیتش به نوع تازه‌ای از «ژانر» ادبي دست یابد که با مضامین آثارش مطابقت داشته باشد، ترکیبی از نوشته‌های مغشوش و نامرتب با وضعیتی مدام در حال کلنجار رفتن با خود. فرانسیس پونژ بی‌وقفه در جست و جوی چشم‌اندازهای تازه در زبان و شکل و مضمون شعرش است. از این رو پیش می‌آید که در رابطه با اشعاري که سروده است، دچار تردید شود.»

فرانسیس پونژ همانطور که پیشتر اشاره کردیم، سخت‌گیر بود. از این رو چنین می‌نویسد: «من به اندازه کافی اطمینان ندارم که اشعارم (این کارهای آخري) خوب از کار درآمده باشد.»

او فکر می‌کرد اشعارش به مراقبت بیشتری نیاز دارد و باید روی آنها بیشتر کار کند. در واقع ما با مرحله‌ای تازه از اشعار پونژ روبه‌رو هستیم. حاصل آن،

تکامل در زبان و تحول در فرم و انتخاب مضامین بکر است. ناگفته پیداست که این گونه تحول در شعرهای فرانسیس پونژ در عین عنایت به اشعار پیشین او صورت می‌گیرد.

پونژ در باره اشعار منثورش چنین می‌نویسد: «اشعار منثورم (شعر آزاد، بدون وزن و قافیه، نثر منظوم، نظم منثور) در آن واحد، چندان رضایتم را جلب نمی‌کند. فرم، به طور نمونه می‌خواهم از فرم بگویم. من در جست و جوی فرم دیگری در شعرهایم هستم. من، به اندازه کافی به این گونه اشعار که به طور نامرتب و مغشوش سروده شده‌اند، اطمینان ندارم. برای من کاملاً محرز است که (اشعار منثور) مرا راضی نمی‌کند. من در جست و جوی فرم دیگری هستم؛ در آن واحد هم خصوصی و هم رزمی و حماسی است؛ دست‌آوردهایی که بتواند اشعار نامرتب و مغشوش را، همچون گذر از مرحله‌ای از کارم پشت سر بگذارد. از آن بگذرد و دست آخر من بتوانم با توجه به مضامین نوي اشعارم به فرم تازه دلخواهم برسم.»

به طور مثال در نوشته‌ای که به سال 1944 تحت عنوان «انسان و اشیاء» در مجله ادبی «موقعیت» منتشر می‌شود، پونژ با بهره‌گیری از زبان هزل و مطایبه، با لطافت و نازک‌بینی و مهر و شفقت به رابطه انسان و اشیاء می‌پردازد. بعدها آن مجموعه به صورت کتابی انتشار می‌یابد. با چاپ این کتاب مرحله تازه‌ای در زندگی ادبی شاعر گشوده می‌شود. پونژ به شهرت می‌رسد. از این به بعد پونژ جزو هنرمندان بزرگ فرانسه به شمار می‌رود.

سورالیست‌ها³¹، نوشتن خودبخودی³²، اتوماتیک

مادلن پامپل بر این باور است که آثار پونژ تا آن حد یگانه است که او را از «سورالیسم»³³ جدا می‌کند. البته پونژ زمان کوتاهی به عضویت نهضت سورالیست‌ها درمی‌آید. گرچه، در زمینه‌هایی با سورالیست‌ها مشارک داشت، اما، در برابر دیدگاه‌های سورالیست‌ها خاموشی می‌گزید. مقوله‌های همچون ناخودآگاه، رؤیا و «آبستره»³⁴. در این جا مراد توضیح و بیان و تفسیری از واقعیت است که قابل لمس و محسوس نباشد. در حالی که مقوله‌هایی که مورد توجه پونژ است، اشیایی است که در ارتباط با مسائل دنیای واقعی است که مربوط می‌شود به درک از اشیاء به وسیله موضوع و مبحث که نسبت به آن وقوف کامل داشته باشیم. به باور شاعر، عمل برخی از اشیاء، به وسیله نوشتن، باعث پی بردن به پاره‌ای از حقایق می‌شود. باری، تحولاتی از این دست به قدرت

خلاقه شاعر بستگی دارد که قادر باشد کلمات را ورز کند و به خلق زبانی که با مضامین تازه مطابقت داشته باشد، نائل آید.

لب کلام اینست: برای دست یافتن به مفاهیم تازه باید کلمات را ورز کرد و معنای آنها را به سود ایده‌های نو عوض کرد.

تلفیق شعر و نقاشی اوژن دو کرماک

مادلن پامپل می‌نویسد: «در میان دوستان هنرمند فرانسیس پونژ، بدون شک، اوژن دو کرماک بیش از همه ناشناخته است. در حالی که اوژن یک تحول بزرگ در هنر معاصر به وجود آورده است.

پاریس، ماه مه 1946. پونژ و کرماک برای نخستین بار در یک نمایشگاه نقاشی «گالری لویز لریس»³⁵ ملاقات می‌کنند. حاصل این ملاقات دوستی عمیق بین دو هنرمند است که سرانجام به همکاری هنری می‌انجامد. مادلن پامپل می‌کوشد بعد از چند دهه خاموشی، یک بار دیگر سیمای واقعی هنرمند را همراه با معرفی و تحلیل تابلوها به وضوح و روشنی به مردم فرانسه بشناساند. بنابراین برای دست یافتن به اسناد و مدارک مربوط به زندگی خصوصی و اجتماعی هنرمند به جست و جو می‌پردازد و با فرزندان نقاش، «ژیل» و «هلن»³⁶ در دوره‌های متفاوت مصاحبه می‌کند. در واقع به یمن همین مصاحبه‌هاست که نویسنده موفق می‌شود تصویری درخشان از هنرمند به دست دهد. متأسفانه در مورد نقاش نه آرشیوی موجود است و نه کتابی. تنها چند مقاله در باره چند اثر هنرمند. همین و بس.

اوژن دو کرماک در 21 ماه مه 1899 در پاریس از مادری «برثن»³⁷ و پدری اهل «کارائیب»³⁸ به دنیا آمد. پدر درس فلسفه می‌دهد. اوژن علیرغم تمایل پدرش تصمیم می‌گیرد نقاش بشود. در شانزده سالگی (1915) به مدرسه «هنرهای دکوراتیف» وارد می‌شود. به مدت دو سال در آنجا دوره نقاشی و مجسمه‌سازی می‌گذراند. اوژن در این دوره با شاعر و نقاشی چون «رابرت دنس» و «شائیم سوتین»³⁹ دوستی بهم می‌زند.

«فرانسیس کرمیو»⁴⁰ می‌نویسد: چندتایی از تابلوهای اوژن دو کرماک در محدوده «آبستراکسیون»⁴¹ بود. در نگاه اول به سختی می‌توانستم با تابلوها رابطه برقرار کنم. به تدریج توانستم با تابلوها رابطه برقرار کنم. تابلوها مرا تحت تأثیر قرار داد، به گونه‌ای که هنوز آن تأثیرات در من وجود دارد.»

از این رو مادلن پامپل به «کلکسیونر»هایی که تعداد اندکی از تابلوهای نقاش را در اختیار دارند رجوع می‌کند و به گالری‌ها سر می‌زند و پیرامون زندگی هنری و تابلوهای او اطلاعات جمع‌آوری می‌کند. مادلن پامپل برای ارزیابی دقیق ارزش هنری تابلوهای اوژن دو کرمادک به تحلیل آثار نقاشان بزرگ پرداخته است. پامپل با دقت و ریزبینی و با ظرافتی خاص و با نگاهی نقادانه به تحلیل آثار نقاشانی همچون «کلود مونه»، «پل سزان»، «مارک شاگال»، «شائیم سوتین»، «ژان دومینیک انگر» و «پابلو پیکاسو»⁴² پرداخته است. وی با بررسی موشکافانه و بویژه از نظر علم زیبایی‌شناسی⁴³، سبک کار آثار نقاشان را برای خواننده توضیح و تشریح می‌کند. سرانجام، برای خواننده روشن می‌کند که چگونه تابلوهای اوژن دو کرمادک از لحاظ سبک و کیفیت هنری تکامل پیدا کرده است. در واقع می‌توان گفت که مادلن پامپل نه تنها یک نویسنده و محقق هنر و ادبیات است، بلکه هنر نقاشی را هم خوب می‌شناسد.

اما در آن زمان، در عصر نقاشان بزرگ، که منتقدین در رابطه با صحنه گذاشتن روی ارزش آثار هنری نقش تعیین‌کننده داشتند، تابلوهای اولیه اوژن دو کرمادک را، به ویژه تابلوهای مربوط به دهه 1920 به بعد را نوعی دیگر ارزیابی می‌کردند. منتقدین و کارشناسان هنرهای تجسمی او را «ناتورالیست»⁴⁴، مقلد و وصف‌کننده طبیعت می‌نامیدند. به نظر مادلن پامپل، اوژن دو کرمادک در اوایل دهه 1930 گرایش به سمت «کوبیسم»، «کوبیسم ترکیبی»⁴⁵ (مصنوعی) داشته است. چیزی که مایه تأسف است، اوژن دو کرمادک در زمان حیاتش همچون پیکاسو، براك، از چهره‌های شاخص نقاشی در آن دوران بود؛ تابلوهایش از حیث نوگرایی، کاربرد اشکال هندسی مورد توجه نقاشان عصرش واقع شده بود. اما، با این همه، کرمادک نتوانست، در هنر معاصر، جای واقعی خودش را پیدا کند. مادلن پامپل در بررسی تحلیلی تابلوهای اوژن دو کرمادک به این مسئله اشاره می‌کند و از سوی دیگر به چگونگی همکاری این دو هنرمند، پونژ و کرمادک می‌پردازد. در آن دوره آمیزش اشعار شاعر و تابلوهای نقاش که مشترکاً در دو کتاب فراهم آمده بود، ثمره درخشانی برای جامعه فرهنگی فرانسه به بار آورده بود.

بعد از جنگ جهانی دوم به دلایلی که بر منتقدان معاصر معلوم نشده است، سیمای هنری اوژن دو کرمادک در سایه مانده است.

از نظر مادلن پامپل، کرمادک یک دوره‌ای به مارک

شاگال نزدیک بود، بعد به کوبیسم رو آورد. اما در مجموع تابلوهایش چیزی بین کوبیسم و آبستره است. اوژن دو کرمادک در تابلوهای همچون: خیال واهی (1918)، طبیعت بی‌جان (1928)، تپه (1920)، آکادمی (1937)، آئینه (1940)، پنجره‌ها⁴⁶ (1947)، آمیزه‌ای از این دو سبک کار را به نمایش می‌گذارد.

همکاری دو هنرمند

یک روز ژیل فرزند اوژن دو کرمادک یک جلد از مجموعه شعر فرانسیس پونژ را برای مطالعه به پدرش می‌دهد. این مجموعه شعر «هواداری از اشیاء»⁴⁷ نام دارد.

اوژن متأثر از سروده‌ها و با الهام از اشعار پونژ یک سری تابلو با توجه به مضامین آن می‌کشد. بدین ترتیب است که تابلوهای اوژن ضمیمه کتاب شعر پونژ می‌شود و بدست ناشر سپرده می‌شود.

در دهه 1920، اوژن متأثر از فرم زیبایی‌شناسانه تابلوهای سزان و شاگال کار عمده‌اش را روی تابلوهای «فیگوراتیو» می‌گذارد.

تابلوهای همچون «طبیعت بی‌جان»، «موتور» و «نقاشی» نمونه کارهایی از این دست است. اما در ادامه بررسی و تحلیل تابلوها ما نمی‌دانیم که چه انگیزه‌هایی او را واداشت که به تابلوهای فیگوراتیو بپردازد. با این حال تعدادی از تابلوهای اوژن بدون تیتر و عنوان هستند. همچنان که نمی‌توانیم در نگاه اول به مضامین تابلوهای او پی ببریم. در آن زمان منتقدین و هنرشناسان به این مسئله اشاره کرده‌اند. در این برهه از زمان اوژن با نقاشان جوان رفت و آمد داشت. طبیعتاً این نقاشان جوان که بعدها هر یک سبک کار خودش را پیدا کرد، روی همدیگر تأثیر بسزا می‌گذاشتند. بنظر می‌رسد که مارک شاگال در کارهای اوژن رابطه‌ای ایجاد کرد بین کاربرد خطوط منظم هندسی و کاربرد تصویری اشکال گوناگون فابل، آمیزه‌ای از تصاویر آدم‌ها و حیوانات. این دو شکل کار در تابلوهای شاگال بین سال‌های 1921 و 1911 بوضوح دیده می‌شود. بهره‌گیری اوژن از خطوط هندسی او را به «براک»⁴⁸ و «پیکاسو» نزدیک می‌کند. به گونه‌ای که اشیاء را از همه ابعاد به نمایش می‌گذارد. به اشیاء عمق می‌بخشد، از بیرون و درون، هر کدام مناسب با بُعدی معین و حساب شده. درست همین دوره است که پیکاسو موفق می‌شود اشیاء سه بعدی را در یک سطح بکشد. «خان و سلر»⁴⁹ چنین می‌نویسد (لازم است در اینجا تأکید کنیم که این یک نظر است): «همچنان که ما در

تابلوهایی پیکاسو و براك مشاهده می‌کنیم، در حدود سال 1912 نقاشی‌های آنها منطبق با سطوح هندسی، چیزهایی مگر پس و پیش کردن و جا به جا کردن، حتی می‌خواهم بگویم تعیین حدود نیستند.» مثال ما در نقاشی به شکلی در مجسمه‌سازی مصداق دارد. بویژه کارهای آن دو هنرمند، پیکاسو و براك بهره‌گیری از مواد و مصالح مختلف در نتیجه درك جوهر و ذات جسم و ماده است. البته نباید از یاد برد که در همان دوره نقاشان کوبیست مباحثاتی با هم داشتند. پیکاسو به کشف خطوط مسطح هندسی نائل آمده بود. در واقع، پیش از او، نوعی از نقاشی کوبیست در ساحل عاج آفریقا کشف می‌شود. این نوع نقاشی، با ماسک و بدون ماسک، فرم واقعی خود را پیدا کرده بود. در مجسمه‌سازی هم این اشکال هندسی دیده می‌شد. پیش از آن که پرانتز بین زیبایی‌شناسی کوبیست و رابطه‌اش را با هنر آفریقایی ببندیم، می‌خواهم به این مسئله اشاره کنم که در آغاز، کاربرد خطوط هندسی در نقاشی، برچسب کوبیست بر خود نداشت. برای نقاشانی که خطوط هندسی را روی تابلوها می‌کشیدند، يك اصل نبود. این شکل از کار تماشایی بود و بیننده را جذب خودش می‌کرد.

کوبیست پایان کار نبود؛ وسیله‌ای برای کار در ابعاد متعدد روی جسم بود. وانگهی، يك تابلو که يك جسم را در اشکال ریاضی معرفی می‌کرد.

باری، اوایل، نقاشی کوبیست، تمایل به کارهای فیگوراتیو داشت. در واقع برای نقاش کوچکترین اهمیتی نداشت که در رابطه با فرم‌ها و اشکال شناخته شده نقاشی از خودش وفاداری نشان دهد. مدل برای او نه واقع‌گرایی، نه طبیعت‌گرایی و نه حتی پیروی از نقاشی مد روز بود. کلام آخر، کوبیسم نه برای کشف دانش، نه يك سیستم و نه يك ایدئولوژی بود. چیزی که نقاش در نقاشی ارائه می‌داد، بطور فشرده نوعی تبدیل و تغییر شکل اشیاء در سه بُعد بود؛ بازآفرینی اغتشاش و پیچیدگی ساخته شده‌اش بود. حالا برگردیم به تابلوهایی اوژن دو کرماک.

اوژن به نوبه خود در مباحثاتی که حول هنر آفریقایی و زیبایی‌شناسی کوبیست در بین نقاشان و هنرمندان دهه 1920 درمی‌گرفت، شرکت می‌کرد. از بین تعدادی از تابلوهایی او می‌توان از جمله از «پرتره» نام برد. پرتره‌ای از يك زن. اوژن در آن تابلو جسم را در سه بُعد از هم مجزا می‌کند. وی همین تکنیک را در تابلوی «طبیعت بی‌جان» بکار می‌گیرد. تابلوهایی که تابلوها و مجسمه‌های پیکاسو را در ذهن بیننده تداعی می‌کند.

ختم مقال:

هنر فرانسیس پونژ در اینست که قادر است اشیاء عادی را به اشیاء غیرمعمول تبدیل کند، همانگونه که اوژن دو کرماک این روش را از دهه 1937 به بعد انجام داد.

در اینجا يك متن کوتاه، توصیفی از ریزش باران و يك شعر در باره اشیاء و طبیعت از فرانسیس پونژ ارائه می‌دهیم.

«باران در حیاط پُشتی آنجا که من از پشت دریچه نگاه می‌کنم، می‌بارد. باران از هر سو می‌بارد، ریزشی تسکین‌ناپذیر، اما نسبتاً کُند، قطراتی که احتمالاً به اندازه کافی سبک هستند. با اندکی فاصله از دیوار سمت راست و دیوار سمت چپ، باران پر سر و صدا با قطرات سنگین دانه دانه می‌بارد. اینجا، به اندازه وزن دانه‌های گندم. آنجا به اندازه دانه‌های نخود. دورتر به اندازه دانه‌های مُهره.»

در اینجا از اشعار و کتاب‌های شناخته شده فرانسیس پونژ تعدادی را نام می‌بریم.

- 1 - دوازده تا نوشته کوچک
- 2 - هواداری از اشیاء
- 3 - Proèmes
- 4 - نقاش در حال اتود
- 5 - مجموعه بزرگ
- 6 - متد
- 7 - حرص بیان⁵⁰
- 8 - آتلیه معاصر
- 9 - رموز نوشتن یا ناتمامی دائمی
- 10 - کتاب گفت و شنود طولانی نویسنده معاصر فرانسه «فیلیپ سولر» (Philippe Sollers) با فرانسیس پونز
- 11 - مکاتبات با ژان پل هان در دو جلد

از اشعار شناخته شده فرانسیس پونژ تعدادی را نام می‌بریم: 1 - زنبور، 1939، یادداشت‌های بیشه کاج‌ها و صنوبرها، 1940-41 درخت گل ابریشم، 1941، میخک، 41-1940، حرص بیان، نیوک پیش از بهار 1983، بلیط‌های بیرون از ساک 1942، مونولوگ کارمند، یک‌شنبه یا آرتیست هنرمند، 1922.

«برنارد بونیو»⁵¹ در باره بلیط‌های بیرون از ساک چنین می‌نویسد: «این بلیط‌ها متن‌هایی است شاعرانه. در

این متن‌ها ما توجه پونژ را به مشکلات روزانه و بحران اقتصادی که مردم شهر «روآن» (Roanne) که با آن دست به گریبان هستند را، می‌خواهیم. با زبان هزل و مطایبه و با نگارش شفقت‌آمیز، نوعی فقدان لطافت را که در مواقع بحرانی بین مردم شهر نمود پیدا می‌کند، می‌بینیم. پونژ با دقت و ظرافت خاص تصویری از فضای حاکم در شهر ارائه می‌دهد.

نیوک، قبل از بهار

امروز

شما

شما این جا هستید

همه‌تان در حول و حوش من

درخت‌های باغ میوه

ابرهای آسمان

طبیعت مرده شگفت‌آور

شما این جا هستید

سر جای‌تان هستید

بی‌چون و چرا، سرپا یا خوابیده، زنده یا مرده،

قوی، حی و حاضر

ما با مردم در باره آنها سخن می‌گوئیم

ما و امدار صداها و قول‌هایشان هستیم

بگوئیم، بگوئید

من برای شما تفسیر می‌کنم، بگوئید، چیزهایی را که

برای گفتن دارید، به من بگوئید

تنها به من بگوئید شما کی هستید؟

به من بگوئید

چون به جز شما چیزی توجه ام را جلب نمی‌کند.

آی طبیعت،

شما کاملاً خودتان را وقف زندگی من کرده اید.

من با شما پیمان وفاداری می‌بندم.

Nioque نیوک، خط نوشته‌ای است مصوّت. این کلمه توسط

من از اصل ریشه کلمه یونانی که دلالت بر شناسایی،

وقوف و معرفت می‌کند «La Connaissance» جعل شده است. البته

نباید معنای کلمه «Nioque» را مرادف با کلمه La Connaissance

گرفت.

فرانسیس پونژ

نکته: لازم است در اینجا اشاره کنیم که نیوک پیش

از بهار Nioque de l'Avant-Printemps نام دفتر شعری است به همین

نام که توسط انتشارات گالیمار از سری کتاب‌های

«L'Imaginaire» در سال 1983 چاپ شده است. قطعه‌ای را که در

پایان این مقاله به خواننده ارائه دادیم، از این

دفتر شعر برگرفته شده است.

این مقاله بار اول در شماره های 34 و 35 فصلنامه باران، به مدیریت مسعود مافان چاپ شده است.

جوایز ادبی⁵²

- فرانسیس پونژ از معدود شاعران فرانسه است که جوایز متعددی را نصیب خود کرده است. از جمله:
- 1959 برنده جایزه بین‌المللی شعر
 1959 اولین مدال لژیون دونور (شوالیه)
 1974 جایزه بین‌المللی ادبیات (Books Abroad/Neustadt) ،
 1980 جایزه معروف عضو افتخاری آکادمی آمریکا و
 نیز جایزه انستیتوی هنر و ادبیات
 1981 جایزه بزرگ ملی شعر فرانسه
 1983 دومین مدال لژیون دونور فرانسه (Commandeur)
 1984 جایزه بزرگ و معروف شعر از آکادمی فرانسه

DU MEME AUTEUR (از همین مؤلف)

- Aux éditions Gallimard
 DOUZE PETITS ECRITS.
 LE PARTI PRIS DES CHOSES.
 PROEMES.
 LE PEINTRE A L'ETUDE.
 LE GRAND RECUEIL
 I. LYRES. Nouvelle édition revue et corrigée par l'auteur en 1976.
 II. METHODES. Nouvelle édition revue et corrigée par l'auteur en 1977.
 III. PIECES. Nouvelle édition revue et corrigée par l'auteur en 1977.
 POUR UN MALHERBE. Nouvelle édition revue et corrigée par l'auteur en 1977.
 TOME PREMIER : Douze petits écrits – Le Parti pris des choses – Proèmes – La Rage de l'expression – Le Peintre à l'étude – La Seine.
 LE SAVON (« L'Imaginaire », n° 279).
 NOUVEAU RECUEIL.
 METHODES (« Folio essais », n° 107).
 ENTRETIENS AVEC PHILIPPE SOLLERS (Gallimard/Seuil).
 LA RAGE DE L'EXPRESSION.
 L'ATELIER CONTEMPORAIN.
 NIOQUE DE L'AVANT-PRINTEMPS (« L'Imaginaire », n° 495).
 CORRESPONDANCE AVEC JEAN PAULHAN 1923-1968.
 Tome I : 1923-1946.
 Tome II : 1946-1968.
 LA TABLE. Présentation de Jean Thibaut. Nouvelle édition revue et augmentée en 2002.
 NOUVEAU NOUVEAU RECUEIL. Edition de Jean Thibaut.
 Tome I : 1923-1942
 Tome II : 1940-1975
 Tome III : 1967-1984.
- Dans la Bibliothèque de La Pléiade
 ŒUVRES COMPLETES, I, II, Edition publiée sous la direction de Bernard Beugnot.
- Chez d'autres éditeurs
 LA FABRIQUE DU PRE, Skira.
 COMMENT UNE FIGURE DE PAROLES ET POURQUOI, Flammarion.
 PRATIQUES D'ECRITURE OU L'INACHEVEMENT PERPETUEL, Hermann.
 TREIZE LETTRES A CASTOR SEIBEL, L'Echoppe.
 CORRESPONDANCE AVEC JEAN TORTEL, Stock.
 LETTRES A JEAN THIBAUDEAU, Le Temps qu'il fait.

- 1- Francis Ponge
- 2- Eugène de Kermadec
- 3- Madeline Pampel a obtenu son doctorat en Lettres françaises de l'Université D'Emory à Atlanta en 2008.
- 4- Presses Universitaires du Septentrion, 2012.
- 5- Lauréat du prix international de poésie (Capri) de 1959.
- 6- Montpellier

-
- 7- Nîmes, Avignon, Caen.
 - 8- *La Nouvelle Revue Française*.
 - 9- Louis Aragon, Paul Eluard, Guillaume Apollinaire, René Char, André Breton.
 - 10- Paul Valéry, Marcel Proust, André Gide, Georges Duhamel, Julien Green.
 - 11- Bibliothèque de la Pléiade
 - 12- Editions Gallimard
 - 13- Bibliothèque Nationale de France (Richelieu)
 - 14- Madame Armande Ponge, fille de Francis Ponge.
 - 15- Front Populaire
 - 16- Les Accords de Matignon
 - 17- Le gouvernement de Léon Blum
 - 18- Secrétaire adjoint de la CGT
 - 19- Confédération Générale du Travail
 - 20- Confédération Française Démocratique du Travail
 - 21- Force Ouvrière
 - 22- Gustave Flaubert, Stéphane Mallarmé
 - 23- Romanesque, Romantique
 - 24- Bernard Groethuysen
 - 25- Jean Hytier
 - 26- Jean Paulhan
 - 27- Madame Odette Ponge, épouse de Francis Ponge et la mère de Madame Armande Ponge
 - 28- Coligny, Fronville
 - 29- Paul Nougé
 - 30- Gaston, Directeur des Editions Gallimard
 - 31- Surréaliste
 - 32- Ecriture automatique
 - 33- Surréalisme
 - 34- Abstrait
 - 35- Galerie Louise Leiris
 - 36- Gil et Anne De Kermadec
 - 37- Bretonne
 - 38- Caraïbes
 - 39- Chaïm Soutine, Robert Desnos
 - 40- Francis Crémieux
 - 41- L'abstraction
 - 42- Claude Monet, Paul Cézanne, Marc Chagall, Chaïm Soutine, Jean-Dominique Ingres, Pablo Picasso
 - 43- Esthétique
 - 44- Naturaliste
 - 45- Cubisme, Cubisme synthétique
 - 46- « Rêverie », « Nature morte », « Colline », « Académie », « Miroir », « Fenêtres »
 - 47- *Du parti pris des choses*
 - 48- Braque, Picasso
 - 49- Kahn Kahnweiler
 - 50- *La Rage de l'expression*
 - 51- Bernard Beugnot
 - 52- Premio Capri di Poesia, 1959
 - Chevalier de la Légion d'Honneur, 1959
 - Prix international de Littérature Books Abroad / Neustadt, 1974
 - Membre honoraire de l'Académie américaine et de l'Institut des arts et des lettres, 1980
 - 1^{er} Grand prix national de la poésie, 1981

Commandeur de la Légion d'Honneur, 1983
Grand prix de poésie de l'Académie française, 1984